



## بیانات در دیدار مردم قم - 18 دی / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید؛ برادران عزیز خواهران عزیز. مردم عزیز و با افتخار قم. این مراسم ۴۰ یا ۴۱ سال است که هر سال برگزار میشود با عظمت؛ مردم سراسر کشور چشمشان به مردم قم است در روز ۱۹ دی به مناسبت آن حادثه‌ی بسیار مهم و تاریخ‌ساز. یک جمله درباره‌ی این مسئله‌ی نوزدهم دی و حادثه‌ی قم عرض کنم؛ یک جمله هم درباره‌ی شهید عزیز این روزها، شهید سلیمانی.

درباره‌ی مسئله‌ی نوزدهم دی، باید فکر کنیم، باید درس بگیریم. اکثر شما برادران و خواهرانی که اینجا تشریف دارید، آن روز نبودید؛ آن روز را ندیدید؛ لکن خاطره‌ی آن روز زنده است؛ ما از این خاطره‌ی زنده باید درس بگیریم. گذشته باید همیشه راهنما و چراغ راه آینده باشد. قضیه‌ی نوزدهم دی این جور بود که به خاطر دفاع از مقام مرجعیت رهبر عظیم‌الشان و بزرگ انقلاب که آن وقت در ایران نبودند، مردم قم به خاطر دفاع از ایشان آمدند در مقابل نیروهای مسلح و بی‌رحم رژیم طاغوت سینه سپر کردند. مردم هیچ چیز نداشتند؛ دست خالی [بودند]. چه چیز آنها را کشید وسط این میدان؟ ایمان و غیرت دینی؛ ببینید، اینها دو کلیدواژه است؛ ایمان و غیرت دینی. وقتی هم که آن مردم - که جمعی از مردم قم بودند البته - آمدند به خیابانها و با پلیس مواجه شدند و با نیروهای رژیم مواجه شدند و تعدادی از اینها به شهادت رسیدند و تعدادی مجروح شدند و در واقع عناصر طاغوت به خیال خودشان اینها را تار و مار کردند، نه آن قیام‌کنندگان قمی و نه دیگران، هرگز فکر نمی‌کردند که همین حرکت، منشأ چه تحوّل عظیمی، نه فقط در کشور بلکه در دنیا خواهد شد. مگر نشد؟ همین حرکتی که در آن روز فقط به خاطر ایمان و غیرت دینی از سوی مردم انجام گرفت، خدای متعال به این حرکت برکت داد؛ ادامه پیدا کرد؛ پشت سر هم، اربعین‌ها مردم را کشاند به وسط میدان و امام بزرگوار هم رهبری کرد، و منتهی شد به قیام عظیم ماه بهمن سال بعد یعنی سال ۵۷؛ همین حرکت یک تعدادی از مردم با اخلاص قم، یک چنین انقلاب عظیمی را کلید زد. البته عوامل زیادی وجود دارد؛ مهم این است که سرآغاز حرکت، یک اقدام مردمی از روی ایمان و غیرت دینی بود؛ این باید همیشه یادمان باشد. ما میتوانیم به برکت ایمان و غیرت دینی کارهای بزرگی انجام بدهیم؛ همچنان که در این قضیه [شهادت شهید سلیمانی و همراهانش] کار بزرگی انجام گرفت، حادثه‌ی بزرگی انجام گرفت، انقلابی به وجود آمد که دنیا را تکان داد، متحوّل کرد و تاریخ را، مسیر تاریخ کشور را، مسیر تاریخ منطقه را و شاید مسیر تاریخ جهان را - که بعدها قضاوت خواهد شد - تغییر داد. به کمک الهی با این چشم نگاه کنیم؛ هدایت الهی و دست قدرت الهی را این جور ببینیم در همه‌ی حوادث زندگی‌مان. آن روز دست مردم خالی بود؛ ما امروز بحمدالله دستمان خالی نیست، دستمان پُر است. ملت ایران امروز مجهّزند در مقابل زورگویان عالم، لکن تکیه [فقط] به ابزار نظامی نیست؛ ابزار نظامی آن وقتی فایده میبخشد که متکی باشد به همان ایمان و غیرت دینی؛ آن وقت است که ابزار نظامی اثر میکند، کارگشایی میکند. این را امروز ما در مقابل جبهه‌ی وسیع دشمن همیشه باید به یاد داشته باشیم؛ اینکه خدای متعال میفرماید «کم من فئة قليلة عثبت فئة كثيرة ياذن الله»، (۱) مصداقش همین جا است؛ گاهی یک فئه‌ی قلیله‌ای بر یک جبهه‌ی بسیار وسیع و گسترده‌ای، به قدرت الهی پیروز میشود وقتی که متکی باشد به این



## ایمان و غیرت دینی.

نگذارید این درس فراموش بشود؛ عزیزان من! چه مسئولین تبلیغاتی کشور، چه علمای معظمی که در قم و در سایر مناطق کشور هستند، چه جوانهای فعال در حوزه‌ی فرهنگی، چه آحاد مردم، نگذارید این درس بی‌نظیری که جلوی چشم ما اتفاق افتاد فراموش بشود؛ درس شروع مظلومانه‌ی متکی به ایمان و غیرت دینی و برکتی که خدای متعال به این جور حرکتی می‌دهد و این حوادث عظیم را پشت سر هم به وجود می‌آورد. خداوند متعال در جای جای قرآن این نکته را که «فراموشی سراغتان نیاید» تکرار کرده است به مناسبت اُمم گذشته. می‌فرماید: وَ لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ؛ (۲) بنی‌اسرائیل یک روزی آن چنان قدرت معنوی‌ای پیدا کردند که با اینکه مردشان، زنشان، فرزندانشان زیر شکنجه‌ی فرعون بودند، توانستند فرعون را مغلوب کنند، توانستند ایستادگی کنند، مقاومت کنند تا اینکه خدای متعال راه را برای آنها باز کند و فرج به آن عظمت را با غرق فرعون و فرعونیان به آنها عطا کند. همین بنی‌اسرائیل بعد از اندکی، فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ؛ (۳) یک مقداری که زمان گذشت، با گذشت زمان از آن حالت اولیه خارج شدند، دلها سخت شد، سنگین شد، قسی شد؛ آن توکل، آن اعتماد به خدا، آن حرکت در راه خدا، آن صبر، آن استقامت را از دست دادند، نتیجه این شد که «وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَ بَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ»؛ (۴) این آیه یکی از آیات است؛ آیات متعدّد دیگری هم [وجود دارد]. حضرت موسیٰ به بنی‌اسرائیل گفت: اَفُطَالَ عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ؛ (۵) شما تا دیروز زیر فشار فرعون بودید، حالا زمان خیلی گذشته که فراموش کردید و می‌گویید «إِجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ»؟ اینها درس است؛ این، آن چیزی است که بنده همیشه تکرار می‌کنم. بحمدالله امروز کمیّت و کیفیت جوان مؤمن و پایبند و علاقه‌مند در کشور، از اوّل انقلاب خیلی بیشتر است؛ امروز این جوری است؛ ما ناراضی نیستیم؛ اما مراقب باشید راه، درست طی بشود؛ این درس بزرگ قرآنی و نبوی و الهی را که خدای متعال کمک میکند - وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ - فراموش نکنیم و در یاد داشته باشیم.

و اما درباره‌ی این شهید عزیز؛ دو سه مطلب را درباره‌ی شهید عزیزمان حاج قاسم سلیمانی عرض کنم: یکی درباره‌ی شخصیت خود او است؛ خب این روزها خیلی درباره‌ی این بزرگوار، این رفیق خوب و عزیز ما و شجاع ما و خوش‌بخت ما که رفت به ملکوت اعلیٰ پیوست، صحبت شده و حرفهای درستی هم گفته شده آنچه در خصوصیات او گفته‌اند لکن من چند جمله‌ای می‌خواهم عرض بکنم که به نظر من اینها مهم است:

اولاً شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ صرف شجاعت نبود؛ بعضی‌ها شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی‌ها اهل تدبیرند اما اهل اقدام و عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت - به دهان خطر میرفت و ابا نداشت؛ نه فقط در این حوادث این روزها، [بلکه] در دوران دفاع مقدّس هم در فرماندهی لشکر ثارالله همین جوری بود؛ خودش و لشکرش - هم با تدبیر بود؛ فکر میکرد، تدبیر میکرد، منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود؛ بنده بارها به دوستانی که در عرصه‌ی سیاسی فعّالند این را میگفتم؛ رفتار او را، کارهای او را [میدیدم]. در عرصه‌ی سیاست هم، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ سخنش اثرگذار بود، قانع‌کننده بود، تأثیرگذار بود. از همه‌ی اینها بالاتر، اخلاص او بود؛ با اخلاص بود؛ این ابزار شجاعت و ابزار تدبیر را برای خدا خرج میکرد؛ اهل تظاهر و ریا و مانند اینها نبود. اخلاص خیلی مهم است. ماها تمرین کنیم در خودمان اخلاص را.



یک خصوصیت دیگر این بود که هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه‌ی نظامی بود، هم در عین حال بشدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش میکنند، میگویند وقت این حرفها نیست؛ او نه، او مراقب بود. آنجایی که نباید سلاح به کار برود، سلاح به کار نمیبرد؛ مراقب بود که به کسی تعدی نشود، ظلم نشود؛ احتیاط‌هایی میکرد که معمولاً در عرصه‌ی نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمیدانند؛ [لکن] او احتیاط میکرد. به دهان خطر میرفت اما جان دیگران را تا میتوانست حفظ میکرد؛ مراقب جان نزدیکانش، اطرافیانش، سربازانش، همکارانش در ملتهای دیگر که در کنار او بودند، بود.

یک نکته‌ی مهم این است که در مسائل داخل کشور - چون این حرفها غالباً ناظر به مبارزات منطقه‌ای و فعالیتهای منطقه‌ای او بود - اهل حزب و جناح و مانند اینها نبود، لکن بشدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابیگری خط قرمز قطعی او بود؛ این را بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند، این واقعیت او است؛ ذوب در انقلاب بود، انقلابیگری خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسمهای مختلف و جناحهای مختلف و مانند اینها نبود اما در عالم انقلابیگری چرا، بشدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان الله علیه) بود.

یک نمونه از تدبیر و شجاعت او که این را دشمنان او خوب میدانند - شاید بعضی از دوستان ندانند - این بود که او به کمک ملتهای منطقه یا با کمکهایی که به ملتهای منطقه کرد، توانست همه‌ی نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا را خنثی کند. این آدم توانست در مقابل همه‌ی نقشه‌هایی که با پول، با تشکیلات تبلیغاتی وسیع آمریکایی، با توانایی‌های دیپلماسی آمریکایی، زورگویی‌هایی که آمریکایی‌ها روی سیاستمداران دنیا بخصوص کشورهای ضعیف دارند، تهیه شده بود قد علم کند و این نقشه‌ها را در این منطقه‌ی غرب آسیا خنثی کند.

آمریکایی‌ها در مورد فلسطین طرحشان و نقشه‌شان این بود که قضیه‌ی فلسطین را به فراموشی بسپارند؛ فلسطینی‌ها را در حالت ضعف نگه دارند که جرئت نکنند دم از مبارزه بزنند. این مرد، دست فلسطینی‌ها را پُر کرد؛ کاری کرد که یک منطقه‌ی کوچکی، یک وجب جا مثل نوار غزه در مقابل رژیم صهیونیستی با آن همه ادعا می‌ایستند، کاری و بلائی سر آنها می‌آورد که آنها سر ۴۸ ساعت میگویند آقا بیاید آتش بس بدهید؛ اینها را حاج قاسم سلیمانی کرد. دستشان را پُر کرد. کاری کرد که بتوانند بایستند، بتوانند مقاومت کنند. این چیزی است که برادران فلسطینی ما مکرر در مکرر پیش خود بنده گفته‌اند. البته من میدانستم اما آنها هم آمدند پیش ما شهادت دادند. در سفرهای متعددی که این رهبران فلسطینی آمدند، همه‌ی آنها این را [گفتند]. آن وقت در جلسه‌ای که ما غالباً با همین مسئولین مختلف که ارتباط با کار او داشتند داشتیم - جلسات رسمی معمولی - حاج قاسم یک گوشه‌ای می‌نشست که اصلاً دیده نمیشد. آدم گاهی اوقات میخواست بداند یا استشهاد کند، باید میگشت تا او را پیدا میکرد؛ خودش را جلوی چشم قرار نمیداد، تظاهر نمیکرد.

نقشه‌ی آمریکا در عراق، در سوریه، در لبنان، به کمک و فعالیت این شهید عزیز خنثی شد. آمریکایی‌ها عراق را مثل رژیم طاغوت ایرانی - رژیم پهلوی؛ ایران در زمان طاغوت - یا امروز سعودی می‌پسندند، یک نقطه‌ای باشد پُر از نفت، در اختیار آنها که هر کار مایلند بکنند؛ به تعبیر آن شخص «مثل گاو شیرده»؛ اینها عراق را این جوری میخواهند. عناصر مؤمن عراقی و شجاع عراقی و جوانان عراقی و مرجعیت در عراق در مقابل این قضایا ایستادند و حاج قاسم (رضوان الله تعالی علیه) به همه‌ی این جبهه‌ی بسیج به عنوان یک مشاور فعال مدد رساند، کمک رساند، و به عنوان



یک پشتیبان بزرگ در آنجا ظاهر شد. شبیه همین قضیه در مورد سوریه هست، در مورد لبنان هست. در مورد لبنان، آمریکایی‌ها مایلند لبنان را از مهم‌ترین عامل استقلال لبنان - یعنی نیروی مقاومت و حزب‌الله - محروم کنند تا لبنان بی دفاع در مقابل اسرائیل قرار بگیرد که بیاید تا خود بیروت را بگیرد؛ کما اینکه قبلها و سالهای قبل آمدند. حزب‌الله بحمدالله روزبه‌روز قوی‌تر شد. امروز، هم دست لبنان و هم چشم لبنان، حزب‌الله است؛ و نقش شهید عزیز ما در این حالت یک نقش ممتاز و برجسته است؛ تدبیر و شجاعت، مجاهد شجاع، برادر دلسوز.

ملت‌ها بحمدالله بیدارند. ملت‌ها امروز بیدارند؛ ولی نقش شهید عزیز و رفقای محلی این شهید [بی بدیل بود]؛ مثل همین شهید ابومهدی (رضوان الله تعالی علیه) - مرد نورانی، مرد مؤمن، مرد شجاع که انسان وقتی نگاه میکرد، چهره‌ی او مصداق «و بَيِّضُ وَجْهِي بَنُورِكَ» (۶) [بود]؛ ابومهدی این جوری بود؛ چهره، چهره‌ی نورانی معنوی خدایی - شهید سلیمانی با امثال این جور انسانهای مؤمن و شجاع و نورانی توانستند کارهای بزرگی را انجام بدهند. این درباره‌ی شهید؛ البته بیش از اینها میشود درباره‌ی شهید عزیزمان صحبت کرد، فعلاً بس است.

یک فصل دیگر در مورد شهید سلیمانی، برکات این شهادت عظیم است. این شهید عزیز هر وقت گزارشی میداد به ما - چه گزارش کتبی، چه گزارش شفاهی - از کارهایی که کرده بود، بنده قلباً و زباناً او را تحسین میکردم اما امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظیم میکنم. (۷) کار بزرگی انجام شد، قیامتی به پا کرد. معنویت او، شهادت او را این جور برجسته کرد؛ این بدرقه‌های ایرانی و آن بدرقه‌های عراقی؛ در کاظمین، در بغداد، در نجف، در کربلا چه کردند با این پیکر اربابا! (۸) از روح مطهر او، از اعماق دل تشکر میکنیم.

شهادت او، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه‌ی دنیا کشید. عده‌ای میخواستند وانمود کنند که انقلاب در ایران از بین رفته است، مرده است، تمام شده - البته عده‌ای هم سعی میکنند که این اتفاق بیفتد - [اما] شهادت او نشان داد که انقلاب زنده است؛ دیدید چه خبر شد در تهران؟ دیدید چه خبر شد در شهرهای دیگر؟ البته من برای این حادثه‌ی تلخی که در کرمان پیش آمد و تعدادی از هم‌میهنان عزیز کرمانی ما جان باختند، عمیقاً متأسفم و متأثرم و به خانواده‌های آنها تسلیت عرض میکنم، امیدوارم ان‌شاءالله ارواح مطهر این جان‌باختگان هم با شهید سلیمانی محشور بشوند. (۹) شهید سلیمانی چشمهای غبارگرفته را باز کرد با این شهادت. دشمنان در مقابل عظمت ملت ایران احساس خضوع کردند؛ ممکن است به رو نیاوردند اما چاره‌ای ندارند. آن دشمنی که سعی میکند این مجاهد عظیم‌القدر را و این سردار فرمانده مبارزه‌ی با تروریسم را به عنوان یک تروریست معرفی کند، آمریکایی‌های بی‌انصاف، آمریکایی‌های دروغ‌گو، آمریکایی‌های هجوگو که واقعاً ارزشی برای حرفهایشان نمیشود قائل شد، اینها سعی میکردند این جوری عمل کنند؛ ملت ایران زد توی دهن اینها.

یک نکته‌ی مهم قابل توجه این است که خب حالا وظیفه‌ی ما چیست؛ بالاخره یک حادثه‌ی مهمی اتفاق افتاده است؛ بحث انتقام و مانند این حرفها، بحث دیگری است؛ حالا یک سیلی‌ای دیشب به اینها زده شد؛ (۱۰) این مسئله‌ی دیگری است. آنچه در مقام مقابله مهم است - این کارهای نظامی به این شکل، کفایت آن قضیه را نمیکند - این است که بایستی حضور فسادبرانگیز آمریکا در این منطقه منتهی بشود؛ تمام بشود. آنها در این منطقه جنگ آوردند، اختلاف آوردند، فتنه آوردند، ویرانی آوردند، خراب شدن زیربناها را آوردند. البته هر جا در دنیا قدم گذاشتند، همین جور عمل کردند؛ فعلاً منطقه‌ی خودمان جلوی چشم ما است. اصرار هم دارند که همین فساد و همین



ویرانگری را نسبت به ایران عزیز و جمهوری اسلامی هم داشته باشند؛ مدام اصرار میکنند؛ این مسئله‌ی مذاکره و نشستن پشت میز و مانند اینها، مقدمه‌ی دخالتها و حضورها است؛ این باید به پایان برسد. این منطقه قبول نمیکند حضور آمریکا را در کشورهای منطقه؛ ملت‌های منطقه قبول نمیکند، دولت‌های برخاسته از ملت‌ها قبول نمیکند؛ بدون تردید. اینکه حالا بحث مهم دیگری است در یک ناحیه‌ی دیگری.

آنچه وظیفه‌ی ما به عنوان مردم، به عنوان آحاد جمهوری اسلامی است: اولاً دشمن‌شناسی است؛ دشمن را [بشناسیم]؛ در شناخت دشمن اشتباه نکنید. نگویید که خب همه میدانیم؛ بله، شما میدانید که دشمن کیست؛ دشمن استکبار است، دشمن صهیونیسم است، دشمن آمریکا است؛ اینها را شما میدانید اما تلاش وسیعی دارد انجام میگیرد برای اینکه این قضیه را بعکس کنند، نظر مردم را عوض کنند، با شیوه‌های پیچیده‌ی تبلیغاتی؛ همه باید مراقب باشند؛ دشمن‌شناسی بسیار مهم است؛ یکی این؛ بعد، دانستن نقشه‌ی دشمن؛ دشمن چه کار دارد میکند، چه کار میخواهد بکند؛ و بعد، دانستن شیوه‌ی مقابله‌ی با نقشه‌ی دشمن؛ این را باید مردم ما بدانند. اتکاء ما به مردم است. جمهوری اسلامی بدون خواست مردم، بدون کمک مردم، بدون آراء موافق و مثبت و اراده‌های مردم که چیزی نیست، معنایی ندارد. مردم بایستی هم دشمن را بشناسند، هم شیوه‌های کاری دشمن را بدانند، هم باید نحوه‌ی مقابله‌ی با این شیوه‌ها را بدانند؛ این کار صاحبان فکر است. خوشبختانه ما امروز در کشور، مردان شجاع و باتدبیر، کم نداریم؛ هم در عرصه‌ی نظامی، هم در عرصه‌ی علمی، هم در عرصه‌ی سیاسی، افراد باتدبیر و شجاع و دانا و آگاهی داریم؛ باید سخن اینها شنیده بشود؛ کاری که اینها مناسب میدانند، در سطح کشور، در سطح جامعه به نحو درستی انجام بگیرد؛ ما کم نداریم؛ خوشبختانه تربیت‌شدگان مکتب امام روزبه‌روز بیشتر میشوند؛ یک بار امام [در مورد] جنگ فرمودند که فتح‌الفتوح این انقلاب تربیت جوانها و رشد دادن این نهالهای بالنده است؛ این را یک وقت امام فرمودند؛ حق با ایشان بود؛ کاملاً درست فرمودند؛ حکمت امام [بود]؛ این همه فتوحات و این همه کارهای مهم، در مقابل این کوچک است؛ تربیت انسانهای برجسته. امروز خوشبختانه ما افراد زیادی از این قبیل داریم.

دشمن را بشناسیم. من این را به طور قاطع میگویم: دشمن عبارت است از آمریکا، رژیم صهیونیستی و دستگاه استکبار؛ دستگاه استکبار فقط آمریکا نیست، فقط دولت‌ها نیستند؛ یک مجموعه‌ای از کمپانی‌ها و غارتگران دنیا و ستمکاران دنیا و مانند اینها [هستند] که با هر مرکزی که با ستم و غارتگری مخالف باشد مخالفند؛ دشمن اینها هستند؛ ما فلان دولت در منطقه یا بیرون منطقه که حالا یک وقتی یک حرفی هم علیه ما بزند و یک چیزی هم بگوید را دشمن به حساب نمی‌آوریم؛ اینها دشمن نیستند؛ مادامی که حرکتی از آنها در خدمت دشمن و علیه جمهوری اسلامی سر نزنند، اینها را دشمن به حساب نمی‌آوریم؛ دشمن آنها هستند؛ در شناخت دشمن نباید اشتباه کرد؛ اگر این را دانستیم، راه مقابله‌ی نقشه‌ی دشمن را هم اگر دانستیم [موفق میشویم]. نقشه‌ی دشمن این است که جوانان ما را، مردم ما را در بخشهای گوناگون دچار خلل در عزم و اراده کند؛ نقشه‌ی اساسی دشمن این است؛ تردیدافکنی در ایمان مردم و در عزم راسخ مردم؛ یعنی همان دو عنصری که عرض کردم؛ دو کلیدواژه‌ی ایمان، و غیرت دینی. تردیدافکنی در ایمان و غیرت دینی مردم آن چیزی است که دشمن دنبال آن است؛ میدانند که اگر چنانچه این اتفاق افتاد، قدرت تهاجمی و حتی قدرت دفاعی جمهوری اسلامی هم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و از بین خواهد رفت؛ لذا دارند توطئه میکنند؛ البته توطئه‌ی آمریکا و مانند آن، فقط این نیست؛ این مهمترینش است؛ علیه جمهوری اسلامی در میدان سیاست، در میدان اقتصاد - می‌بینید دیگر این تحریمها را - در میدان مسائل امنیتی [توطئه میکنند]. چند روز قبل از قضایای آبان‌ماه - این قضایای مربوط به بنزین و مانند این حرفها - در یک



کشور اروپایی، یک کشور کوچک، اما واقعاً شریب و خبیث در اروپا، یک عنصر آمریکایی با یک تعداد ایرانی مزدور و وطن فروش، جمع شدند دور هم علیه جمهوری اسلامی بنا کردند برنامه ریزی کردن و نقشه درست کردن؛ نقشه هم همان چیزی بود که ما چند روز بعدش در قضایای بنزین دیدیم؛ یعنی مردم از حادثه بنزین اوقاتشان تلخ بود، یک عده ای از مردم به عنوان اعتراض آمدند بیرون؛ بمجرّد اینکه مردم -البته یک تعدادی از مردم؛ خیلی هم نبودند- وارد میدان شدند، این فریب خوردگان، این مغرضین، این عمال دشمن، همان برنامه را شروع کردند اجرا کردن؛ یعنی بیایند، هم مراکز دولتی را، هم مراکز مردمی را تخریب کنند، آتش بزنند، آدم بکشند، ویران کنند، جنگ راه بیندازند؛ این نقشه ی قبلی بود. البته اینکه میگویم چند روز قبل از این، این چند روز تجدید نقشه بود، این کارهایی بود که از قبل کرده بودند، افراد را آماده کرده بودند، به یک عده مزدور پول داده بودند؛ این کارها را هم میکنند، هر چه بتوانند انجام میدهند. آن روز در جمع مردم عرض کردم، (۱۱) آن روزی که اینجا این اتفاق افتاده بود، در آمریکا، در واشنگتن عناصر دولت آمریکا خوشحالی میکردند؛ به این طرف گفته بودند که کار ایران تمام شد؛ بعد از دو روز معلوم شد که کار خودشان تمام شده؛ خیلی اندوهگین و ناراحت و غصه دار بودند. نقشه ی دشمن را باید فهمید؛ در مقابل این نقشه هم بایستی آن نقاط اساسی را مورد نظر داشت. نقاط اساسی عبارت است از مبانی فکری -چه [مبانی] فکری اسلامی، چه مسائل مربوط به انقلاب- و وحدت ملی؛ این وحدتی که خوشبختانه در زیر تابوت پیکر مطهر شهید سلیمانی و شهدای همراه ایشان در بین مردم دیده شد باید محفوظ بشود، محفوظ بماند؛ جهت گیری مردم باید این جهت گیری باشد: جهت گیری انقلاب، جهت گیری تکریم از مردان انقلاب، جهت گیری تکریم شهیدان و تکریم هر چیزی که یادآور ارزشهای انقلاب است.

همه ی ما این را هم بدانیم که دشمنی این جبهه ی دشمنی که نام بردم، موسمی و فصلی نیست؛ این دشمنی، یک دشمنی ذاتی است، دشمنی همیشگی است، هر وقت بتوانند ضربه بزنند میزنند. علاجش این است که ما خودمان را قوی کنیم؛ قوی از لحاظ نظامی، قوی از لحاظ امنیتی، قوی از لحاظ سیاسی، قوی از لحاظ اقتصادی. از جهات مختلف خودمان را قوی کنیم که دشمن نتواند ضربه بزند؛ وّالا دشمنی او دشمنی ذاتی است. اینکه بعضی خیال کنند که اگر چنانچه ما یک قدم عقب رفتیم، یک کمی کوتاه آمدیم، آمریکایی ها دست از دشمنی برمیدارند، بسیار خطا است؛ خطای فاحشی است این فکر. اینکه بعضی فکر کنند که شما کاری نکنید که آمریکا عصبانی بشود -میگویند بعضی ها و در روزنامه ها مینویسند- درست نقطه ی مقابل فرمایش پروردگار عالم است: *وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ يُعْجِبُ الرُّعَاةَ لِیَغِیْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ*؛ (۱۲) رشد عناصر مؤمن، این نهالهای برومند، این جوانهای مؤمن، اصلاً برای این است که «*لِیَغِیْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ*»، تا دشمن عصبانی بشود؛ از همین هم بیشتر عصبانی اند. عصبانی اند از جوانهای عرصه ی علم، از جوانهای عرصه ی جهاد، از جوانهای عرصه ی خدمتاز جوانهای عرصه ی نظامی؛ از اینها عصبانی اند. (۱۳) امیدواریم ان شاء الله همیشه صدایتان رسا و زیانتان گویا و گامتان استوار در این راه باشد و خدای متعال رحمت کند عزیزان ما را، این شهدای اخیر را -شهید سلیمانی، شهید ابومهدی و همراهان عزیزشان را، چه آنهایی که عراقی بودند، چه آنهایی که ایرانی بودند- و خداوند رحمت کند همه ی کسانی را که راه حرکت این ملت را هموار میکنند.

این مصوبه ی دیروز مجلس ما (۱۴) مصوبه ی بسیار خوبی بود، مصوبه ی پارلمان عراق هم پریروز مصوبه ی بسیار خوبی بود که مصوبه ی اخراج آمریکا از عراق بود. امیدواریم ان شاء الله خداوند به همه ی اینها توفیق بدهد و کمک کند بتوانند این راه را با موفقیت به پایان برسانند.



والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- (۱) سوره ی بقره، بخشی از آیه ی ۲۴۹: «... بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند. ...»
- (۲) سوره ی بقره، بخشی از آیه ی ۶۱: «... و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد، و به خشم خدا گرفتار آمدند...»
- (۳) سوره ی حدید، بخشی از آیه ی ۱۶: «... [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید»
- (۴) داغ
- (۵) سوره ی طه، بخشی از آیه ی ۸۶: «... آیا این مدت بر شما طولانی مینمود...»
- (۶) کافی، ج ۴، ص ۵۶۲
- (۷) گریه ی حضار
- (۸) قطعه قطعه (گریه ی حضار)
- (۹) روز گذشته در جریان تشییع پیکر شهید سلیمانی در کرمان، تعدادی از هم‌وطنان در اثر ازدحام جمعیت جان باختند.
- (۱۰) بامداد امروز پایگاه هوایی آمریکا در عین‌الاسد عراق از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موشک‌باران شد.
- (۱۱) بیانات در دیدار جمعی از پرستاران سراسر کشور ( ۱۳۹۸/۱۰/۱۱)
- (۱۲) سوره ی فتح، بخشی از آیه ی ۲۹: «... و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه‌ی خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد...»
- (۱۳) بعد از تکبیر حضار معظم‌له فرمودند: خیلی ممنون! این تکبیر نشان داد که خسته شده‌اید؛
- (۱۴) اولین طرح سه فوریتی مجلس شورای اسلامی که بر اساس آن همه‌ی فرماندهان و عاملان پنتاگون - وزارت دفاع آمریکا- تروریست شناخته شدند.